

صرفه جویی و فرهنگ "زور و زود"

یادداشت مهندس محمد توسلی در شهروند

۸۶/۱۱/۷

صرفه جوئی، قناعت و پرهیز از اسراف و ریخت و پاش، یکی از صفات شایسته انسان در عرصه زندگی فردی و اجتماعی است. یادآوری این مطلب خالی از لطف نیست که در واکنش به توسعه مصرف‌گرایی در زندگی مردم در سالهای دهه ۵۰ نهضت ساده‌زیستی در جمع فعالان سیاسی قبل از انقلاب به وجود آمد و زنده یاد مهندس مهدی بازرگان نیز یکی از طرفداران پروپا قرص آن بود. این روند بخشی از زمینه‌های تحول فرهنگی - اجتماعی فراهم شدن شرایط انقلاب بود که جادارد ابعاد مختلف آن برای جامعه مصرف‌گرایی کنونی ما در آستانه سالروز انقلاب بازگو شود.

اما دولت نهم در سال‌های اخیر در برنامه اقتصادی خود بر صرفه‌جوئی هزینه‌های عمومی دستگاه‌های اجرائی کشور تأکید ورزیده است که البته تا آنجا که جلو ریخت و پاش‌ها و هزینه‌های زائد مدیران دستگاه‌های اجرائی گرفته شود بایستی آنرا اقدامی مثبت ارزیابی کرد. اما سؤال اصلی اینست که اولاً میزان این صرفه‌جوئی‌ها در کل هزینه‌های دولت چه رقم یا چه درصدی را به خود اختصاص داده است و ثانیاً مگر شاخص ارزیابی صرفه‌جوئی عملکرد دولت‌ها اینگونه صرفه‌جوئی‌هاست؟ بررسی این آمار و آمار درآمد و هزینه دولت را به کارشناسان اقتصادی که دسترسی به آمار دارند وامی‌گذارم.

بنظر می‌رسد آنچه در تحلیل برنامه‌های صرفه‌جوئی دولت بایستی مطرح شود، ارزیابی بهره‌وری و راندمان عملکردها و هزینه‌های سنگین ناشی از نوع مدیریت دولت و پیامدهای اقتصادی - اجتماعی آن است. شاید برکسی پوشیده نباشد که مدیریت دولت نهم از نوع مدیریت محفلی است که رئیس جمهور محترم با همکاری حلقه‌ای از نزدیکان خود که عموماً از سابقه، تجربه و کارآمدی کافی برخوردار نیستند، دستگاه‌های اجرائی کشور را مدیریت می‌کنند. برکناری مدیران دستگاه‌های اجرائی که در حدود سه دهه بعد از انقلاب با هزینه‌های سنگین تجربه اندوخته‌اند و بکارگماردن افراد تازه وارد و کم‌تجربه نیاز به آمار و ارقام ندارد و اظهر من الشمس است.

پیامد این روش مدیریت که مدیران جدید عموماً توان جلب همکاری بدنه کارشناسان و کارکنان دستگاههای اجرائی را ندارند منجر به نوع مدیریتی می‌شود که بر فرهنگ " زور و زود " استوار است. در این نوع مدیریت، مدیران برای پیشبرد برنامه‌های خویش از اقتدار مدیریتی خود با ابلاغ بخشنامه‌ای کارها بهره می‌گیرند. در این شرایط طبیعی است که خدمات با زمان طولانی‌تر و کیفیت پائین‌تر صورت می‌گیرد و هزینه‌های خدمات بسیار افزایش پیدا می‌کند.

برخلاف مدیریت محفلی، در مدیریت مشارکتی که با استفاده از مدیران با تجربه و کارآمد از ظرفیت و توان کارشناسان و کارکنان دولت با آگاهی و علاقه‌مندی بهره‌برداری بیشتری می‌شود، هزینه تمام شده خدمات ارائه شده به مردم بسیار پائین‌تر است. براین پایه می‌توان گفت که صرفه‌جویی واقعی دولت در هزینه‌ها در چنین مدیریتی معنی و مفهوم پیدا می‌کند.

تفاوت افزایش هزینه خدمات در این دو نوع مدیریت آنقدر زیاد است که بهیچ‌وجه تناسبی با صرفه‌جویی ناشی از جلوگیری از هزینه‌های جاری دستگاههای اجرائی با عنوان " صرفه‌جویی " ندارد.

البته ذکر این نکته ضروری است که حذف مختصر اعتبارات جاری پاره‌ای از دستگاههای اجرائی می‌تواند موجب کاهش بهره‌وری خدمات آنان گردد.

آنچه در بالا اشاره شد می‌تواند در یک پروژه پژوهشی " ارزیابی عملکرد دستگاههای اجرائی " دست‌کم در چند نمونه معرف مورد بررسی قرار گیرد. در عرصه داخلی وزارتخانه‌های نفت، صنایع، جهاد کشاورزی و شهرداری تهران و در عرصه خارجی وزارت امور خارجه می‌توانند به عنوان نمونه در این پروژه مورد ارزیابی قرار گیرند.

در این مختصر از ارائه مصادیق عینی این دو نوع مدیریت صرف‌نظر می‌کنم. تجربه نشان می‌دهد خدماتی که در مدیریت " زور و زود " انجام می‌شود، معمولاً زمان آن طولانی‌تر، کیفیت آن پائین‌تر و هزینه آن بالاتر خواهد بود.